

ظهور قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف و اقدامات بعد از ظهور از منظر نهج البلاغه

□ محمد آصف افتخاری *

چکیده

زمینه‌سازی جریان ظهور و مسأله مهدویت، از امور مورد توجه و از برنامه‌های مهم نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام بوده است که در فرصت‌های مختلف این امر مهم را مطرح می‌کردند و به آن پرداختند؛ در این میان، بیانات امیرالمؤمنین علی علیه السلام جایگاه ویژه‌ای دارد. در کتاب شریف نهج البلاغه در باب مهدویت، روشنگری و نکات قابل توجه با نگاهی بر دوران قبل و بعد از ظهور امام زمان علیه السلام مطرح شده است. از همه مهم‌تر پرداختن به برنامه‌های آن حضرت علیه السلام است که بعد از ظهور و قیام نورانی اش به منظور خوشبختی و سعادت جامعه بشریت، در دستور کار خواهد داشت. از جمله این اقدامات (که در این تحقیق با استناد به کلمات امام علی علیه السلام در نهج البلاغه؛ به آن توجه شده است) عبارت‌اند از ۱. سعی در هدایت و سعادت آفرینی جامعه بشریت، در حالیکه مردم آن زمان، در ضلالت و گمراهی ویرانگر، گرفتارند. ۲. احیای قرآن کریم و بیرون راندن آن کتاب عزیز از مهجوریت و دایر ساختن حلقات دروس با محوریت قرآن کریم. ۳. برپاساختن حکومتی همانند حکومت اجدادش نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام با محوریت عدالت. ۴. دایر ساختن مجالس و مدارس و برپاساختن کلاس‌ها و حلقات درسی به صورت شبانه‌روزی و تمام‌وقت که در آن، انواع حکمت‌ها و معارف در تمامی رشته‌های موردنیاز جامعه آن روز، به صورتی فراگرفته می‌شود که فراگیران، همانند شمشیرهای صیقل داده‌شده؛ مهبای مبارزه با انواع فتنه‌های احتمالی و شبهات می‌باشند. ۵. بالاخره! از جمله عنایات و توجهات ویژه ذات اقدس الهی که در عصر ظهور، اعمال خواهد شد، بروز انواع برکات موجود در زمین است که در اختیار آن حضرت علیه السلام و به تبع آن در دسترس دیگران، قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: امام زمان، قائم، ظهور، نهج البلاغه.

* دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی.

مقدمه

قوله تعالی: «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»

با توجه به بروز انواع و اقسام جنایات و اعمال ظلم و جور علیه مستضعفین در سراسر عالم که توسط زورگویان و متجاوزان در اقصا نقاط جهان به وقوع می‌پیوندد؛ طرح مباحث مهدویت که آن منجی عالم و آرامبخش دل‌ها، روزی برای ایجاد عدل و آرامش و سرنگون ساختن و ظلم و جور، ظهور خواهد کرد؛ از مباحث مهم و ضروری می‌باشد.

جریان ظهور، از مهم‌ترین موضوعاتی مطرح شده در کلمات و خطابات نورانی ائمه طاهرین علیهم‌السلام و شخص نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشد که در مناسبت‌های گوناگون، به آن پرداخته شده است. در این میان، حضرت امام علی علیه‌السلام که در موارد عدیده‌ای به پیش‌بینی از حوادث و اتفاقات آینده جامعه بشریت پرداخته به‌گونه‌ای که بسیاری از پیشگویی‌های آن حضرت، محقق شده است و سایر پیش‌بینی‌های ایشان هم در زمان و مکان خود و مطابق با مصالح الهی، به وقوع خواهد پیوست.

از جمله ملاحم آن حضرت علیه‌السلام در خطبه‌های ناب و بیانات دُرّ بار ایشان خصوصاً در کتاب شریف و با ارزش نهج‌البلاغه، مسئله غیبت و ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام و برنامه‌های آن حضرت علیه‌السلام بعد از پایان غیبت و در دوران ظهور، می‌باشد که حسب بررسی نگارنده، کدام بررسی دقیق و همه‌جانبه از این جریان، از منظر نهج‌البلاغه، صورت نگرفته است؛ بناً این نوشتار مختصر که با مراجعه مستقیم به کتاب شریف نهج‌البلاغه و شروح معتبر آن گردآوری شده است در دو بخش امام زمان علیه‌السلام قبل از ظهور و امام زمان علیه‌السلام بعد از ظهور که هرکدام متضمن زیر بخش‌هایی می‌باشد؛ تنظیم شده است.

الف) امام زمان علیه‌السلام قبل از ظهور

هرچند از کتاب وزین نهج‌البلاغه، درباره امام زمان علیه‌السلام در دوران غیبت آن بزرگوار (که در این تحقیق از آن دوران با عنوان قبل از ظهور تعبیر شده است) مطالب عدیده‌ای قابل استخراج است، ولی

عمده این مطالب؛ راجع به دو جریان است که در این بخش به آن پرداخته می‌شود.

۱. خبر از دوران غیبت امام زمان ﷺ

یکی از خطبه‌های که امام علی علیه السلام که در آن، از آینده بشریت، سخن به میان آورده است؛ خطبه ۱۵۰ از خطب نهج البلاغه است. امام علیه السلام در این خطبه، ابتدا به توصیف برخی از گمراهان پرداخته و ضمن تبیین نکات بسیار جالب و ارزنده‌ای درباره آنان، به نزدیک بودن فتنه‌های آخرالزمان می‌پردازد، آنگاه مژده ظهور فردی از خاندانش را می‌دهد که دنیای تیره‌وتار را چراغانی و عصر پر از ستم و ظلم را با برپایی عدالت گلستان خواهد کرد. امام علیه السلام می‌فرماید:

أَلَا وَ إِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا مِنَّا يَسِرُ فِيهَا بِسِرَاجٍ مُنِيرٍ وَ يَحْذُو فِيهَا عَلِيٌّ مِثَالِ الصَّالِحِينَ وَ... فِي سِتْرَةٍ عَنِ النَّاسِ لَا يَبْصُرُ الْقَائِفُ أَثْرَهُ وَ لَوْ تَابَعَ نَظْرَهُ (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰) یعنی [ای مردم] آگاه باشید هرکسی که از ما [ائمه طاهرین علیهم السلام] آن روزگار سیاه، تاریک و پر فتنه را دریابد؛ با چراغی روشنگری در آن سیر می‌کند و به روش نیکان [پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام] رفتار می‌نماید و [او کسی است که] سال‌های طولانی در پنهانی از مردم به سر می‌برد آن چنانکه اثرشناسان، اثر قدم او را نمی‌شناسد گرچه در یافتن اثر و نشانه‌های او تلاش فراوان کنند.

مفسرین و مترجمین برجسته نهج البلاغه؛ فرد مورد نظر امام علی علیه السلام را به امام زمان علیه السلام تفسیر نمودند و این فرازا را مژده‌ای برای ظهور منجی عالم بشریت، امام مهدی علیه السلام می‌دانند، او که در حال حاضر در عالم غیبت به سر می‌برد و با اینکه حی است و موجود، هرکسی توان لقاء او را ندارد و مدرک مکان او نیست مگر افراد بسیار خاص و محدودی که با ترقی باورها و تکامل ایمان به این مقام، نائل خواهد آمد. از جمله این مترجمین می‌توان به ترجمه‌های آقایان دشتی، انصاری، مکارم و... اشاره نمود.

ابن ابی الحدید هم که از شارحین بسیار معروف نهج البلاغه و از اکابر علمای اهل سنت می‌باشد، این فراز را صریحاً به امام مهدی علیه السلام تفسیر نموده و این‌گونه می‌نویسد: «ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّ مَهْدِيَّ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام (وهو الذي عني بقوله) وَ إِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا مِنَّا يَسِرُ فِي ظِلْمَاتِ هَذِهِ

الفتن بسراج منير و هو المهدي و...» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱۳۳۷، ۹، ۱۲۸)

در خطبه دیگر از این کتاب شریف نیز به موضوع غیبت آقا ﷺ پرداخته شده و این گونه می فرماید:

فَهُوَ مُغْتَرِبٌ إِذَا اغْتَرَبَ الْإِسْلَامُ وَ ضَرَبَ بِعَسِيبِ ذَنْبِهِ وَ أَلْصَقَ الْأَرْضَ بِجِرَانِهِ
بَقِيَّةٌ مِنْ بَقَايَا حُجَّتِهِ خَلِيفَةٌ مِنْ خَلَائِفِ أَنْبِيَائِهِ (نهج البلاغه، خ ۱۸۲) یعنی و آن
بزرگوار ﷺ [در حال غربت به سر برده و از نظرها] پنهان است، هنگامی که اسلام
غریب گردد و [به قدری ضعیف و باریک شود که همچون شتر رنجور] دُم خویش
را بجنابند و سینه اش را به خاک بچسباند [خلاصه یار و یاور بطلبد؛

این جمله اشاره بفرمایش حضرت رسول ﷺ است که فرمود: «ان الإسلام بدء غریبا و
سيعود غریبا» (راوندی، النوادر، ۱۰۹) زود است که اسلام به غربت اولیه خویش بازگردد و پیروی
نداشته باشد که به طور کلی غربت اسلام را از دوران غیبت آن حضرت شاهد بودیم که این سیر
منفی روزبه روز در حال رشد است. آری! آن حضرت باقیمانده از بقایای حجت خدا و
جانشینی از جانشین های پیامبران است.

جملات مذکور که فرازی از خطبه ۱۸۲ است، بسیاری از شارحین و مترجمین؛ آن را به
دوران غیبت آقا امام زمان ﷺ تفسیر نموده اند. برای نمونه در کتاب «حدائق الحقائق» ذیل فراز
مذکور می نویسد: «الإشارة إلى حال المهدي عليه السلام و غيبته.» (بیهقی، حدائق الحقائق،
۱۳۷۵، ۲، ۱۱۷) ابن ابی الحدید هم در ذیل این فراز از خطبه، بعد از آنکه به یک سری از اقوال
و احتمالات، اشاره می کند می نویسد: «و لیس یبعد عندی أن یرید به القائم من آل
محمد ﷺ فی آخر الوقت» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱۰، ۹۵) یعنی به نظر من بعید
نیست اینکه مقصود از فرد مورد نظر، همان فردی باشد که در آخر الزمان قیام می کند.

جناب میرزا حبیب الله خویی هم بعد از بیان اقوالی، به بیان نظر خود در این باب پرداخته
می نویسد:

أقول: أما ما ذكره من كون المراد به القائم عليه السلام فهو كما ذكره غير بعيد لظهور
اتصافه ﷺ بهذه الأوصاف و كونه مظهرا لها (خویی، منهاج البراعة فی شرح نهج
البلاغه، ۱۳۵۸، ۳، ۵۴۸) یعنی به نظر من از آنجایی که تمامی اوصاف مطرح شده در
این بیان نورانی امیرالمؤمنین ﷺ درباره امام زمان ﷺ صادق است و او مظهر این

ظهور قائم آل محمد ﷺ و اقدامات بعد از ظهور از منظر نهج البلاغه □ ۱۶۱

اوصاف می باشد؛ لذا هیچ بُعدی وجود ندارد که مقصود از شخص مورد نظر در کلام امام علیؑ حضرت قائم [یعنی امام مهدی ﷺ] باشد.

۲. خبر از ظهور امام زمان ﷺ

دومین مطلبی که از لابه لای بیانات امام علیؑ در کتاب گران سنگ نهج البلاغه به دست می آید؛ جریان پربرکت و بامیمت ظهور امام مهدی ﷺ بعد از مدت ها غیبت و پنهانی ظاهری؛ می باشد.

حضرت امام علیؑ در یکی از خطبه هایش، ضمن اشاره به ویژگی هایی از پیامبر مکرم اسلام ﷺ و مسئله رحلت آن بزرگوار و بعد از پرداختن به پاره از برنامه های انجام شده توسط خودش و برنامه های که انجام خواهد داد و پس از اخبار از شهادت خویش؛ به موضوع ظهور حضرت مهدی ﷺ پرداخته می فرماید:

فَلَيْشُم بَعْدَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ حَتَّى يَطْلِعَ اللَّهُ لَكُمْ مَنْ يَجْمَعُكُمْ وَيَضُمُّ نَشْرُكُمْ... أَلَا
إِنَّ مَثَلِ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ إِذَا خَوَى نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ فَكَأَنَّكُمْ قَدْ
تَكَامَلْتُمْ مِنَ اللَّهِ فِيكُمْ الصَّنَائِعَ وَ أَرَائِكُمْ مَا كُنْتُمْ تَأْمُلُونَ (نهج البلاغه، خ ۱۰۰)

یعنی بعد از او [پیامبر اسلام ﷺ] و هم چنین ائمه طاهرين علیهم السلام [چندان که خدا بخواهد زندگانی کردید و خواهید کرد] و این جریان زندگی انسان ها همچنان ادامه دارد] تا اینکه خداوند متعال، شخصی را برمی انگیزاند که شما را متحد می سازد و پراکندگی شما را جبران می کند [و شما تحت لوای واحد درمی آید] - تا اینکه فرمودند - آگاه باشید که مثل آل محمد ﷺ همانند ستارگان آسمان است، اگر ستاره ای غروب کند، ستاره دیگری طلوع خواهد کرد (تا ظهور حضرت مهدی ﷺ فرارسد)

بازهم بسیاری از مورخین و شارحین نهج البلاغه، فرازهای مذکور را بر حضرت مهدی ﷺ تفسیر و تطبیق کردند. از جمله ابن ابی الحدید ذیل فراز (من یجمعکم و یضمکم) می نویسد: «و هذا إشارة إلى المهدي الذي يظهر في آخر الوقت.» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۷، ۹۴) یعنی این فراز از خطبه شریفه اشاره، به حکومت و ظهور حضرت مهدی ﷺ دارد که بالاخره روزی خواهد آمد.

در کتاب بهج الصباغه، ضمن نقل روایتی در این زمینه تصریح می‌کند که «وَأَمَّا الرَّأْيَةَ فِي كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْقَائِمَ بِالْخِصْصِ» (شوشتری، بهج الصباغه، ۱۳۷۶، ۳، ۴۴۶) یعنی مقصود از رأیت و پرچم مذکور در کلام امام علی علیه السلام [که فرازی از همین خطبه آمده است «وَوَخَّلَفَ فِينَا رَأْيَةَ الْحَقِّ»] امام زمان علیه السلام می‌باشد؛ که پرچم عدالت جهانی و آزادی معقول و منطقی که توسط او علیه السلام به اهتزاز در خواهد آمد.

اینکه احتمال داده شده است که شاید برخی از این فرازا اشاره به قیام بنی عباس باشد، بسیاری از بزرگان، این احتمال را شدیداً رد نموده و باطل دانستند، به دلیل اینکه چگونه ممکن است امام علی علیه السلام از حکومت بنی العباس به‌عنوان پرچمداران حق (رایه الحق) تعبیر کند در حالیکه بیشترین ظلم و ستم علیه مسلمین و شیعیان، در دوران حکومت آنان روا داشته شده و شیعیان، خفقان‌ترین دوران را در عصر آنان تجربه کرده‌اند. آنان به جای اینکه مسلمین را از پراکندگی و تشتت برهانند بی‌خانمانی‌های بی‌سابقه‌ای را بر آنان تحمیل کردند. در چنین شرایطی آیا هیچ اندیشه سلیمی چنین احتمالی را در این زمینه می‌پذیرد؟!

امام علی علیه السلام در خطبه دیگر از ظهور آن حضرت علیه السلام به این صورت خبر می‌دهد که:

أَلَا وَفِي غَدٍ - وَ سَيَأْتِي غَدٌ بِمَا لَا تَعْرِفُونَ - يَا خُدَّ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عُمَالَهَا عَلِيٍّ
مَسَاوِي أَعْمَالِهَا (نهج البلاغه، خ ۱۳۸) یعنی آگاه باشید! فردایی که شمارا از آن هیچ
شناختی نیست [معلوم نیست چه زمانی اتفاق خواهد افتاد] زمامداری حاکمیت پیدا
می‌کند که غیر از خاندان حکومت‌های امروزی است.

این فراز از کلام امام علیه السلام هم بیانگر حکومت و ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد. چنانچه صاحب کتاب «اختیار مصباح السالکین» ذیل فراز مذکور می‌نویسد: وقوله: **الَا وَ فِي غَدٍ:** اخبار بما سیکون من امر الامام المنتظر و هو المراد بالوالی (بحرانی، اختیار مصباح الصالحین، ۱۳۶۶، ۲۹۷) جناب سرخسی هم ذیل این فراز می‌گوید: یشیر الی ظهور المهدي علیه السلام (سرخسی، اعلام نهج البلاغه، ۱۳۷۳، ۱۳۱) هم چنین ابن میثم می‌نویسد: «و امام علیه السلام پیش ازین، درباره اقوامی که دارای پادشاهی و فرمانروایی بوده‌اند سخن رانده و در دنباله آن بیان می‌کند که آن حکمرانی که خواهد آمد از آن اقوام و طایفه‌ها نیست و

بدین طریق به امام منتظر ﷺ اشاره می‌کند» (بحرانی، شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۲، ۵، ۳۱۲)

یکی دیگر از فرازهای نهج البلاغه که به مسئله ظهور حضرت ﷺ پرداخته است این کلام شریف است که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ ضَرَبَ يَعْسُوبُ الدِّينِ بِذَنْبِهِ فَيَجْتَمِعُونَ إِلَيْهِ كَمَا يَجْتَمِعُ قَرْعُ الْخَرِيفِ» (نهج البلاغه، (فصل فی غریب کلامه) ص ۶۸۶)

چون آن‌گونه شود، [که ظاهراً اشاره است به کثرت ظلم و تعدی و به‌طور کلی فراهم شدن زمینه‌های آن حضرت می‌باشد.] پیشوای دین ﷺ قیام کند، پس مسلمانان پیرامون او چونان ابر پاییزی گرد آیند. («يعسوب» یعنی بزرگ مسلمانان و «قزع» یعنی ابرهای پاییزی)

آقای بحرانی، ذیل این بیان حکیمانه می‌نویسد:

واقول: قوله ذلك إشارة الى علامات ذكرها في آخر الزمان، لظهور صاحب الأمر واستعار له لفظ يعسوب (بحرانی میثم، اختیار مصباح الصالحین، ۶۳۸) یعنی بیانات مذکور، بیانگر نشانه‌های آخرالزمان است که هنگام ظهور امام زمان ﷺ می‌باشد؛ و کلمه يعسوب استعاره از آن حضرت ﷺ است.

هم‌چنین ابن ابی الحدید ذیل این روایت نورانی می‌نویسد:

وهذا الخبر من أخبار الملاحم التي كان يخبر بها عليه السلام وهو يذكر فيه المهدي الذي يوجد عند أصحابنا في آخر الزمان (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱۹، ۱۰۴) یعنی این خبر از جمله پیش‌بینی‌های امام علی علیه السلام از آینده می‌باشد که همواره از آن خبر می‌دادند و امام علی علیه السلام در این کلام، از حضرت مهدی علیه السلام یاد نموده و از ظهور او ﷺ خبر می‌دهد؛ همان مهدی علیه السلام که به باور ما، در آخرالزمان پیدا می‌شود.

آری! واژه يعسوب که به معنای ملکه، رئیس و سرکرده زنبوران عسل می‌باشد و معنای رهبری و پیشوایی را دارد (لویس معلوف، المنجد، ۱۳۸۲، ۱، ۱۱۱۹) در روایات متعددی در مورد خود امام علی علیه السلام نیز وارد شده است، برای نمونه ابن ابی الحدید، در روایتی نقل می‌کند که رسول‌الله صلی الله علیه و آله در مورد امام علی علیه السلام فرمودند: «أنت يعسوب الدين» (ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱، ۱۳) در روایت دیگر آمده است: «هذا يعسوب المؤمنين و قائد الغر المحجلين.» (همان، ۱، ۱۳)

ب) امام زمان علیه السلام بعد از ظهور

به لحاظ اینکه غیبت طولانی حضرت مهدی علیه السلام قطعاً دارای اهداف و برنامه‌هایی می‌باشد که در بسیاری از منابع، خصوصاً نهج البلاغه؛ مطرح شده است؛ در این بخش به نمونه‌های از برنامه امام علیه السلام بعد از پایان غیبت و در دوران ظهور، به صورت گذرا اشاره می‌شود.

۱. سعی در هدایت مردم

از جمله برنامه‌های که بعد از ظهور، توسط امام زمان علیه السلام در راستای دین مقدس اسلام به شدت به عرصه اجرا درمی‌آید، سعی در هدایت و سعادت آفرینی جامعه بشریت می‌باشد در حالیکه به نص آیات قرآن و روایات ائمه طاهرین «علیهم السلام» مردم آن زمان، در ضلالت و گمراهی گرفتارند؛ چنانچه امام علی علیه السلام در یکی از خطب نهج البلاغه می‌فرماید:

يُعْطِفُ الْهَوَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ إِذَا عَطَفُوا الْهُدَىٰ عَلَى الْهَوَىٰ. (نهج البلاغه، خ ۱۳۸)

یعنی (حضرت ولی عصر علیه السلام که ظاهر می‌شود) غلبه می‌دهد هدایت را بر هوای نفس (مردم) هنگامی که (آن مردم) غلبه داده باشند هوای نفس را بر هدایت (آن‌ها را از گمراهی و بدبختی، خارج و به سوی هدایت راهنمایی می‌کند)

آقای خوبی در تبیین این فراز، می‌نویسد:

فقوله (يعطف الهوى على الهدى) يريد به أنه عليه السلام إذا ظهر يردّ النفوس الهائرة عن سبيل الله التابعة لظلمات أهوائها عن طرقها الفاسدة و مذاهبها المختلفة إلى سلوك النهج القويم و الصراط المستقيم، فتهدى الامم بظهوره و تسفر الظلم بنوره... فيجدد الشريعة المحمدية بعد اندحاضها و يعيدها بعد ذهابها و انقراضها (خوبی میرزا حبیب‌الله، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۳۴۸) یعنی از این فراز از کلام امام علیه السلام (يعطف الهوى على الهدى) این گونه اراده و استفاده می‌شود که: آنگاه که امام زمان علیه السلام ظهور کند، کسانی که از راه روشن خداوند منحرف شدند و پیرو راه بیراهه هوای نفس شان گردیدند؛ را از راه‌های فاسده و روش‌های گوناگون شان، به راه محکم و به شاهراه مستقیم، هدایت می‌کند، در نتیجه با ظهور او علیه السلام امت‌ها هدایت می‌گردند و ستم‌ها و بی‌بند باری‌ها با نور او علیه السلام نابود می‌شود و در حالیکه شریعت

ظهور قائم آل محمد ﷺ و اقدامات بعد از ظهور از منظر نهج البلاغه □ ۱۶۵

حضرت رسول الله ﷺ در میان جامعه کمرنگ و بلکه خاموش شده است، تجدید و زنده می‌شود و بعد از آنکه این آیین پاک از بین رفته و منقرض شده است به صورت اول برگردانده و زنده می‌شود.

۲. مهجوریت زدایی از قرآن کریم

برنامه دیگری که بعد از ظهور، توسط آن حضرت ﷺ به عرصه اجرا گذاشته می‌شود؛ احیای قرآن کریم و بیرون کردن آن کتاب عزیز را از مهجوریت می‌باشد؛ که این مسأله هم در بسیاری از روایات اسلامی مطرح شده و در کتاب شریف نهج البلاغه نیز در موارد متعدد به این موضوع پرداخته شده است. در یکی از خطبه‌ها که به گفته مفسرین این کتاب گرانسنگ، در باب امام عصر ﷺ وارد شده است چنانچه ابن میثم یکی از شارحین نهج البلاغه؛ می‌گوید: **الإشارة في هذا الفصل (الخطبة) إلى وصف الإمام المنتظر في آخر الزمان الموعود به في الخبر والأثر (بحرانی، شرح نهج البلاغه، ۳، ۱۶۹ و بحرانی، اختیار مصباح الصالحین، ۲۹۷) امام علی علیه السلام در این خطبه می‌فرماید: «وَيُعْطَفُ الرَّأْيُ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطُفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ... وَ يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ.» (نهج البلاغه، خ ۱۳۸) یعنی [امام زمان ﷺ با ظهورش] غلبه می‌دهد حکم قرآن را بر [تفسیر به] رأی [که تفسیر به رأی عبارت است از: تحلیل آیات قرآن بر اساس منافع و اندیشه‌های فردی و شخصی در هنگامی که غلبه داده باشند رأی را بر حکم قرآن [یعنی قانون قرآن را در عالم حکم فرما ساخته، عمل به رأی و قیاس را باطل خواهد ساخت.] حضرت امام علی علیه السلام در ادامه و بعد از بیان پاره‌ای از برکات وافر که توسط او ﷺ ظاهر می‌شود؛ باز هم به نکته مهم احیای قرآنی توسط آن حضرت ﷺ پرداخته می‌فرماید: **«وَيُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ»** (همان) یعنی آن حضرت ﷺ احکام قرآن کریم و سنت [و طریقه حضرت پیامبر مکرم اسلام ﷺ که تا آن روزگار متروک مانده است] را زنده و احیا خواهد ساخت و روح تازه‌ای در آن خواهد دمید.**

آری! در باب احیای سنت از دست رفته پیامبر اسلام ﷺ توسط حضرت قائم ﷺ امام صادق علیه السلام هم در بیان زیبایی فرمودند:

إذا أذن الله تعالى للقائم في الخروج صعد المنبر فدعى الناس إلى نفسه و

ناشدهم الله و دعاهم إلى حقّه و أن يسير فيهم بسنة رسول الله ﷺ و يعمل فيهم بعمله (خویی، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، ۸، ۳۵۰) یعنی آنگاه که حضرت قائم علیه السلام با اذن خداوند متعال؛ خروج و ظهور می کند و بالای منبری رفته مردم را [برای یاری اش] به سوی خود فرامی خواند و خداوند متعال هم مردم را [به سوی او] راهنمایی می کند؛ و آن حضرت علیه السلام مردم را برای گرفتن حقیقت دعوت می کند و در میان مردم بر اساس سنت جد بزرگوارش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سیر نموده و مانند او عمل می کند.

بر اساس برخی از روایات اسلامی، احکام قرآن کریم و سنت نبوی در آخرالزمان و ایام ظهور حضرت مهدی علیه السلام به حدی وارونه و منحرف از مسیر طبیعی و واقعی می شود که آنگاه که آن حضرت علیه السلام مردم را به اسلام ناب محمدی «صلی الله علیه» دعوت می کند، گویا آن حضرت علیه السلام مردم را به دین جدید و آیین تازه ای فرامی خواند. چنانچه امام صادق علیه السلام فرمودند: إذا قام القائم جاء بأمر جدید كما دعی رسول الله فی بدو الاسلام إلى أمر جدید (همان، ۸، ۳۵۰) یعنی آنگاه که حضرت مهدی علیه السلام قیام کند [و به تبلیغ اسلام ناب جد بزرگوارش بپردازد آن قدر مردم آن زمان در حال بیگانگی از دین به سر می برند که گمان می کنند آن حضرت علیه السلام دین] و برنامه جدیدی را می آورد همان طوری که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله امر و دستور و آیین تازه ای را آوردند. [در حالیکه تمامی برنامه های آن حضرت علیه السلام در راستای دین مبین اسلام و ترویج آیین ناب و مقدس جد بزرگوارش می باشد.

برای همین احیای قرآن کریم است که در زمان ظهور آن حضرت علیه السلام حلقه های دروس، آن هم با محوریت قرآن کریم به حدی اوج می گیرد که امام علی علیه السلام در صفات یاران امام مهدی می فرماید: «تُجَلَّى بِالتَّنْزِيلِ أَبْصَارُهُمْ وَ يَرْمَى بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ» چشم اینان با قرآن روشنی می گیرد و معانی آیاتش به گوش آنان افکنده می شود.

۳. برپاساختن حکومت عدل

از آنجای که هدایت تمامی خلق در حالی که مدت ها در گمراهی به سر بردند و هم چنین احیاء

ظهور قائم آل محمد ﷺ و اقدامات بعد از ظهور از منظر نهج البلاغه □ ۱۶۷

ساختن احکام قرآن کریم در حالیکه در حالت انحراف بوده و هرکس قرآن را به دلخواه و بر اساس منافع و خواسته‌هایشان تفسیر می‌کردند و... احیای مجدد فرامین قرآن کریم، در سایه حکومت عدل به تمام معنا میسر و مقدور می‌باشد؛ لذا یکی از برنامه‌ها و اقدامات حضرت مهدی ﷺ برپائی یک چنین حکومتی است که عدالت و حقیقت در آن نمایان است.

امام علی علیه السلام در این باب فرمودند: «فیریکم کیف عدل السیره» (نهج البلاغه، خ ۱۳۸) یعنی امام ﷺ روش عادلانه در حکومت عدل را به شما می‌نماید. چنانچه که در روایتی که از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده؛ آمده است:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: سَيَكُونُ بَعْدِي خُلَفَاءُ وَ مِنْ بَعْدِ الْخُلَفَاءِ أُمَرَاءُ وَ مِنْ بَعْدِ الْأُمَرَاءِ مَلُوكٌ جَبَابِرَةٌ، ثُمَّ يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جُورًا (خویی، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، ۸، ۳۵۰)
یعنی بعد از من خلفا و امرا و پادشاهان جابر خواهند آمد و سپس حضرت مهدی ﷺ که از اهل بیت من می‌باشد، ظهور می‌کند و با ظهورش زمین را در حالیکه پر شده باشد از ظلم و ستم، مملو از عدل و داد می‌کند.

۴. برپاداشتن حلقات درس

به لحاظ اینکه حضرت مهدی ﷺ خود عالمی است کامل و باتجربه و حکیم و دانشمندی است به تمام معنی، چنانچه امام علی علیه السلام در کتاب شریف نهج البلاغه و در مقام توصیف و تعریف آن بزرگوار ﷺ فرمودند:

قَدْ لَيْسَ لِلْحِكْمَةِ جُنَّتَهَا وَ أَخَذَهَا بِجَمِيعِ أَدْبِهَا مِنَ الْإِقْبَالِ عَلَيْهَا وَ الْمَعْرِفَةَ بِهَا وَ التَّفَرُّغَ لَهَا فَهِيَ عِنْدَ نَفْسِهِ ضَالَّةٌ الَّتِي يَطْلُبُهَا وَ حَاجَتُهُ الَّتِي يَسْأَلُ عَنْهَا (نهج البلاغه، خ ۱۸۲) یعنی [امام علیه السلام در توصیف امام زمان ﷺ فرمودند: فرزند عزیزم امام دوازدهم مهدی منتظر علیه السلام] سپر و زره علم و حکمت را پوشیده و تمام آداب آن را که عبارت است از توجه (به خدا) و شناختن و فارغ ساختن خود را (از دنیا) برای آن فراگرفته است، پس حکمت گمشده ایست که آن حضرت ﷺ آن را جوینده و آرزویی است که آن را خواهان است

(چنانچه حضرت علیه السلام می فرماید: الحکمة ضالة المؤمن حکمت و دانش گمشده ای است که مؤمن همواره آن را جو یا است)

لذا از جمله برنامه های بسیار مهم که در عصر ظهور آن حضرت علیه السلام و قطعاً توسط آن بزرگوار علیه السلام و با نظارت و هدایت وی، با شدت و حدت، اعمال می شود، ایجاد مجالس و مدارس و برپاساختن کلاس ها و حلقات درسی است که به صورت شبانه روزی و تمام وقت، دایر می شود که در آن انواع حکمت ها و معارف و تمامی رشته های مورد نیاز جامعه آن روز، به حدی فراگرفته می شود که فراگیران این دروس، همانند شمشیرهای صیقل داده شده، مهیای مبارزه با انواع فتنه های احتمالی و شبهات مطرح شده توسط عده ای از مخالفین و معاندین می باشند. همانطوریکه امام علی علیه السلام در یکی دیگر از خطب نهج البلاغه، می فرماید:

ثُمَّ لِيَشْحَذَنَّ فِيهَا قَوْمٌ شَحَذَ الْقَيْنِ النَّصْلَ وَ يَغْبُتُونَ كَأَسِّ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصَّبُوحِ (نهج البلاغه، خ ۱۵۰) یعنی سپس گروهی برای درهم کوبیدن فتنه ها مهیا می گردند؛ همچون مهیا شدن شمشیر به دست تیرگر؛ و آنان شامگاهان و صبح گاهان از جام حکمت و معارف الهی [با استفاده از علم خدادادی امام عصر علیه السلام] سیراب می گردند.

در این فراز از خطبه شریفه، کلمات «الغبوق: شرب العشى و الصبوح: شرب الغداة.» (غروی محمد، الأمثال والحکم، ۱۳۶۵، ۵۶۶) می باشد که بطور کلی «لفظ «غبوق» و «صبوح» کنایتند از تعلّم علوم دینیّه بر سیل دوام ممارست ایشان در آن به اهتمام تمام به ارشاد امام علیه الصلوة و السلام» (سید رضی، تنبیه الغافلین و تذکرة العارفين، ۱۳۸۷، ۱، ۶۸۴)

۵. خروج برکات در عصر ظهور

از جمله عنایات و توجهات ویژه ذات اقدس الهی که در عصر ظهور آن منجی عالم بشریت علیه السلام بر آن حضرت علیه السلام خصوصاً و بر اهل عالم که یاران آن حضرت علیه السلام می باشند عموماً، می شود این است که انواع برکات قابل تصور و غیر قابل تصور در زمین، در اختیار آن حضرت علیه السلام و به تبع آن در دسترس دیگران، قرار خواهد گرفت. به فرموده امام علی علیه السلام در نهج البلاغه:

ظهور قائم آل محمد ﷺ و اقدامات بعد از ظهور از منظر نهج البلاغه □ ۱۶۹

و تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضَ أَفَالِيدَ كَبِدِهَا وَ تُلْقِي إِلَيْهِ سِلْمًا مَقَالِيدَهَا (نهج البلاغه، خ ۱۳۸) یعنی زمین، پاره‌های جگر [و بخش‌های از وجود] خویش را برای آن حضرت ﷺ ظاهر می‌سازد (و طلا و نقره‌ها و گنج‌هایش را نثار مقدم آن حضرت می‌کند) و از روی خوشنودی کلیدهای خزائنش را تسلیم او می‌نماید.

برای تشریح و توضیح این فراز، خوب است کلامی از جناب این میثم آورده شود او می‌گوید: امام عليه السلام واژه کبد (جگر) را برای گنج‌ها و خزاین زمین استعاره فرموده است، برای این که گنج‌هایی که در اندرون زمین نهفته است، مانند کبد یا جگر در بدن انسان پنهان و پر ارج است، ذکر افالید (پاره‌ها) برای ترشیح این استعاره است، در حدیثی که از پیامبر خدا صلى الله عليه وآله نقل شده عیناً چنین آمده است که «و قادت له الأرض أفلاذ كبدها» یعنی: زمین پاره‌های جگرش را برای او می‌برد، برخی از مفسران آیه شریفه «وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا» را بر همین معنا تفسیر کرده‌اند، درباره این که چگونه زمین گنج‌ها و ودیعه‌های گران‌بهای خود را بیرون می‌آورد، برخی از پژوهشگران گفته‌اند: گفتار امام عليه السلام اشاره به این است که همه پادشاهان و فرمانروایان روی زمین کلیدهای کشور و قلمرو حکومت خود را خواه و ناخواه به او تسلیم و گنجینه‌ها و ذخایر خود را به سوی وی فرستاده تقدیم او می‌کنند و به طور مجاز، اخراج این اشیا به زمین نسبت داده شده است، زیرا منابع و معادن هر سرزمین به وسیله مردم آن استخراج می‌شود و بعید دانسته‌اند که زمین خود، بیرون آورنده گنج‌ها و نهفته‌های ارزنده‌اش باشد، اما آن‌هایی که ظواهر آیات و اخبار را رها نمی‌کنند و به آن‌ها پایبندی دارند می‌توانند بگویند خداوند بیرون آورنده حقیقی این اشیا از اندرون زمین است و این خود از جمله معجزات امام منتظر عليه السلام خواهد بود و هیچ منعی هم وجود ندارد. (بحرانی، ترجمه شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۳۱۶)

هم چنین ابن ابی الحدید که از علمای اهل سنت و از شارحین معروف نهج البلاغه است در بیانی این فراز را با ظهور امام عصر پیوند داده می‌نویسد: و هذا كناية عن الكنوز التي تظهر للقائم بالأمر (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۹، ۴۶) اما اینکه باور ابن ابی الحدید، در باب قائم بالامر همان باور شیعی است که مراد دوازدهمین امام از ائمه

دوازده گانه عليه السلام می باشد؟ یا باور دیگری دارد مانند اینکه قائم بالامر فعلاً در حال غیبت بسر نمی برد بلکه تازه در آخرالزمان به دنیا خواهد آمد؟ که این دیدگاه از برخی تعبیرش در این شرح مستفاد است (همان) وارد این بحث نمی شویم البته مسلم این است که به نظر ابن ابی الحدید هم نیز برکات زمین در اختیار قائم بالامر که همان منجی آخرالزمان باشد؛ قرار خواهد گرفت. البته نهفته نماند که دیدگاه دوم (که قائم بالامر فعلاً در حال غیبت بسر نمی برد بلکه تازه در آخرالزمان به دنیا خواهد آمد) این دیدگاه، گمان باطل و وهم فاسدی بیش نیست و از نظر علمای شیعه مردود دانسته شده و در جای خود ثابت شده است که حتی یک لحظه و در آن واحد هم زمین از حجت خداوند، خالی نخواهد بود؛ به گفته آقای خویی (صاحب منهاج البراعه) «لقيام البراهین العقلية و النقلية على أن الأرض لو تبقى بغير حجة لانخسفت و ساخت و أنه إما ظاهر مشهور أو غایب مستور» (خویی، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، ۳، ۵۴۹)

مولای متقیان عليه السلام در فرازی دیگر، به مسئله برکات دوران ظهور پرداخته می فرماید:

فَكَأَنَّكُمْ قَدْ تَكَامَلْتُمْ مِنَ اللَّهِ فِيكُمْ الصَّنَائِعُ وَ أَرَاكُمْ مَا كُنْتُمْ تَأْمُلُونَ. (نهج البلاغه، خ ۱۰۰) یعنی گویا می بینم که در پرتو خاندان پیامبر عليه السلام [که از جمله آنان حضرت حجة عليه السلام می باشد] نعمت های خداوند متعال بر شما تمام شده است و شما بر آنچه آرزو دارید رسیدید. در این فراز نورانی گذشته از مسائل مادی و دنیوی، به آرزوی نهایی جامعه بشریت که دانسته و ندانسته همان خوشبختی نهایی و سعادت ابدی انسان ها می باشد؛ پرداخته شده که در پرتو وجود نازنین آن منجی عالم عليه السلام این آرزوی دیرین آدم ها جامه عمل خواهد پوشید.

نتیجه

با توجه به اعتبار ویژه کتاب ارزشمند نهج البلاغه که حتی در لسان برخی از بزرگان، لقب «اخر القرآن» را از آن خود نموده است، بر این اساس، مسئله مهدویت، اعم از دوران غیبت، عصر ظهور و برنامه های ناب و ارزشمند بعد از قیام امام عصر عليه السلام؛ از اوضح واضحات و مسلماتی می باشد که کوچک ترین تردید در آن، تردید در بیانات امیرالمؤمنین عليه السلام و تصریحاتی

ظهور قائم آل محمد ﷺ و اقدامات بعد از ظهور از منظر نهج البلاغه □ ۱۷۱

بسیاری از علما و شارحانی تلقی می‌شود که سالیانی از عمرشان را در تبیین مطالب این کتاب، سپری کرده‌اند. گذشته از اینکه جریان ظهور، در نهج البلاغه، مطرح شده است در بیانات شخص نبی مکرم اسلام ﷺ و سایر ائمه علیهم‌السلام در فرصت‌های گوناگون روشنگری شده است که در مقالات بعدی ارائه خواهد شد.

کتابنامه

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
- بحرانی میثم، اختیار مصباح الصالحین، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس روی، مشهد، ۱۳۶۶.
بحرانی میثم، شرح نهج البلاغه (ابن میثم)، دفتر نشرالکتب، بیجا، ۱۳۶۲ چ ۳.
بن ابی الحدید (عزالدين ابوحماد)، شرح نهج البلاغه، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۳۷ ش.
بیهقی، محمد بن حسین، حدائق الحقائق، بنیاد نهج البلاغه، انتشارت عطارد، قم، ۱۳۷۵.
خویی میرزا حبیب‌الله، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، المكتبة الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۸ ش.
سرخسی ناصر، اعلام نهج البلاغه، وزارت فرهنگ و ارشاد، (مصحح: عطارد) تهران، ۱۳۷۳.
سیدرضی، تنبیه الغافلین وتذکره العارفين، (مترجم: کاشانی، مصحح: ذهنی تهرانی)، پیام حق، تهران، ۱۳۸۷.
شوشتری محمد تقی، بهج الصباغه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶.
غروی محمد، الأمثال والحکم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۵.
لويس معلوف، المنجد، مترجم: بندرریگی محمد، ایران، ۱۳۸۲، چ ۴.
نوادیراوندی بی تا بی جا.